

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش اربعین در احیاء یاد عاشورا و گسترش نهضت امام حسین(ع)

اجتماع بزرگ و کم نظیر مردم در روز اربعین در کنار مرقد شریف امام حسین(ع) پدیده ای شگفت آور و شکوهمند است و هرگاه دشمنان اهل بیت(ع) در صدد منع شیعیان از حضور در این مراسم برآمدند، نه تنها از شمار زائران کاسته نشده؛ بلکه بر آنها بسیار افزوده شده است. امام حسین(ع) با فداکاری و جان فشانی خود، حقایق بسیاری را جاودانه کرد و بدین وسیله برای مستضعفان، اشک و عبرت را در کنار هم به یادگار نهاد تا با این دو سلاح در برابر دشمنان بایستند و آنها را از ستم در حق بی گناهان و مستضعفان بازدارند. در طول تاریخ، مبارزان و مجاهدان بسیاری به خون خواهی سیدالشهدا(ع) و اقامه شعائر حسینی برخاسته‌اند. مراسم شیعیان در عاشورا و اربعین و نیز اجتماع عظیم اربعین حسینی، برای کسانی که فکر تعرض به عواطف و احساسات حسینی را در سر می پرورند، یک تهدید و هشدار است. این نوشتار ضمن برشمردن ابعاد گوناگون قیام امام حسین(ع) به نقش این قیام در گسترش نهضت های آزادی خواهانه شیعیان در طول تاریخ اشاره می کند.

امروزه در دنیا کمتر کسی است که نام «کربلا» و دو حرم شریف واقع در آن و آیین های حسینی و روز اربعین را نشنیده باشد. این نام ها و عناوین، همه به حسین بن علی بن ابی طالب(ع)، نواده رسول خدا(ص) اشاره دارد که در روز دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری، در سرزمین کربلا در عراق، به شهادت رسید و هر سال به مناسبت فرا رسیدن اربعین شهادت آن حضرت(ع) این محفل و گردهمایی عظیم به نام «اربعین» برگزار می شود.

در یکی از این دو حرم شریف امام حسین(ع) و تعدادی از اهل بیت و یاران شهید او در روز عاشورا به خاک سپرده شده اند و حرم دیگر، مرقد برادر بزرگوار امام، یعنی حضرت عباس(ع) است که در همان روز بر ساحل رود فرات شهید گردید.

امام حسین(ع) با فداکاری و جان فشانی خود، حقایق بسیاری را جاودانه ساخت که به مناسبت، دو مورد از آن را که به حیات امت اسلامی مربوط است و بر عهده دو گروه وسیع، یعنی مستضعفان و انقلابیون مجاهد قرار گرفته، یادآور می شویم:

نخست، غم و اندوهی است که در واکنش به مصائب وارد شده بر امام حسین و اهل بیت و اصحابش(ع) نشان داده می شود؛ فاجعه ای در کمال خشونت و وحشی گری که در تاریخ اسلام، بلکه در تاریخ جهان بی نظیر بود.

دوم، مبارزه قهرمانانه و شهادت طلبانه ای است که امام حسین(ع) و همراهان اندکش که کمتر از صد نفر بودند، در راه رسیدن به هدف والای خود، در آن معرکه نابرابر از جهت تعداد و تجهیزات، به نمایش گذاشتند؛ اما سیدالشهدا و یارانش با تمام توان مقاومت کردند و با جهاد در راه خدا، خود را در آغوش مرگ افکندند و با دلیری و رشادت، در رسیدن به مقام شهادت، بر یکدیگر سبقت می جستند.

بنابراین واقعه عاشورا با توجه به امر نخست، برای مستضعفان و محرومان دنیا، به ویژه شیعیان که آن حضرت را می شناختند، مایه اندوه و مصیبت و عزاداری شد و با توجه به امر دوم، امام حسین(ع) و اصحابش، برای انقلابیون و مبارزین راه آزادی و عدالت و اصلاح در دنیا در طول تاریخ، به ویژه برای آنان که به امام حسین(ع) همچون یک الگو و مقتدا باور دارند، سرمشق و درس آموز و اسباب آگاهی و تنبّه شدند.

مستضعفان و انقلابیون، همواره اکثریتی خاموش و سرکوب شده، بوده اند؛ اما از ابزار قوی تر و مستحکم برخوردارند که همان امید به وعده یاری خداوند و اتکا به سلاح اراده است که خداوند در فطرت آنها به ودیعت نهاده است.

حکومت های قدرت طلب و زورگو با وجود قدرت نمایی های ظاهری شان، پیوسته از توده مردم در هراسند؛ زیرا توده ها که در اکثریتند، آرمان ها و گرایش های مقدسی دارند که نسبت به آنها بی تفاوت نیستند و واکنش نشان می دهند. همچنین ایمان و اعتقادی دارند که به واسطه آن، به حرکت و جنبش در می آیند. اما مستکبران و سلطه جویان، نه عواطف و گرایش های مقدس دارند و نه ایمان و اعتقادی.

به یقین حاکمان جور، قدرتشان منحصر در به کارگیری زر و زور است؛ لکن اراده انسان هر سلاحی را از کار می اندازد و بی اثر می گرداند. اما اعتقادی که مردم خود را به آن مسلح ساخته اند و اراده ای که بر آن تکیه زده اند، پیوسته در حال استحکام بیشتر است و عواطف و گرایش های مقدس آنان پیوسته در جوشش و خروش. تاریخ نیز گواه است که حکومت های خشن و بی رحم، زودتر سرنگون می شوند و به خواری و ذلت می افتند.

گروه های انقلابی و جهادی که از زمره مستضعفانند، از پیشگامی در عرصه های خطر و رویارویی با حاکمان و سلطه گران و گذشتن از همه امکانات و راحتی ها و تقدیم شهدا، از دیگران متمایز می شوند. اینان همان گروهی هستند که آنچه امام حسین(ع) در میان امت اسلامی بر جای نهاد، محقق می سازند. البته این گروه ها در فعالیت های انقلابی خود، با خطرهای و آسیب هایی روبه رو هستند؛ از جمله:

همواره از سوی قدرت های ظالم، در معرض بی رحمی و تعقیب و آوارگی قرار دارند و با روش های گوناگون سرکوب و کشتار، تهدید می شوند.

خطر دیگر، افتادن در ورطه یأس و ناکامی است که با طولانی شدن کار و به تأخیر افتادن پیروزی و انتظار درازمدت، بروز می یابد.

پس از پیروزی نیز این خطر وجود دارد که انقلابیون سرگرم دنیا شوند و حکومت و ثروت و مقام، آنها را به فتنه اندازد و عقبگرد کنند.

کمتر در تاریخ اتفاق افتاده که فاتحان به راه و روش نخستین خود پایبند مانده باشند؛ بلکه بی درنگ، اکثر ایشان دگرگون شده، حتی از اهدافی که خود تعریف کرده و برای آن به مبارزه و جهاد برخاستند، رویگردان شده اند. این اکثریت عقبگرد کرده، البته در مقابل اقلیتی که می خواهد به سیره و شعار نخستین انقلابی خود ملتزم بماند، می ایستد و این جاست که اختلافات شکل می گیرد و شقاق و جدایی میان انقلابیون آهسته آهسته خود را نشان می دهد.

هرگاه مبارزان مقاوم و پایبند به اصول، تنها بمانند، دشمنان و منافقان و باقی مانده های رژیم گذشته آنها را هدف قرار می دهند و با سوء قصد و ترور شخصیت از میان بر می دارند. حتی اکثریت انقلابیون منحرف و از راه باز مانده، اقلیت صبور و مقاوم را تاب نمی آورند و چون آنها را در برابر زیاده خواهی ها و تمنیات و شهوات خود مانع می بینند، می کوشند تا برکنارشان کنند و از سر راه خود بردارند.

در چنین هنگامه ای همان اکثریت، به سلطه ای نو، بلکه به همان اندازه حکومت جبارانه پیشین تبدیل می شود؛ با این تفاوت که اینان جهاد و مردم گرایی و دین و نام امام حسین(ع) را شعار خود قرار می دهند و خود را والی و حاکم بر مستضعفان می شمارند و دلیل و حجتشان این است که مجاهدت کرده اند و شکنجه ها و زندان ها و تبعیدها چشیده اند و اینک به آن پیروزی که می خواسته اند، نائل شده اند و اکنون

استفاده و بهره مندی از نتایج مبارزه های سرسختانه و طاقت فرسا حق ایشان است! یعنی این اکثریت طلبکار، هدف هایی را که خود مشخص کرده بودند، یکسره از یاد می برد و مستضعفانی را که با پشتیبانی آنان، حرکت انقلابی خویش را آغاز کرده و به قدرت رسیده بودند، همه را به فراموشی می سپارد.

هرگاه انقلابیون از تحقق اهداف والایی که حسین بن علی(ع) نشان داده و به خاطر آن پیامبران و رسولان و ائمه و عالمان و شهدا به مسلخ کشیده شدند، ناتوان گردد، بار همه مشکلات و سختی ها بر عهده مستضعفین که تنها مانده اند، قرار می گیرد؛ همان جماعتی که تکیه و اعتمادشان بر عقیده و ایمان است و هیچ امکانات و سرمایه ای جز ایمان و شور انقلابی خود ندارد و همچنان که گفتیم، این شور انقلابی، شعله ای است که خاموش نمی شود و گرمایش به سردی نمی گراید. آنها به آنچه دارند، قناعت می کنند، بی آن که نسبت به دنیا و حکومت دنیایی چشم طمع دوخته باشند.

مصیبت امام حسین(ع) در نگاه این گروه، شعله ای است که سرد و خاموش نمی شود و حرارتی است که فرو نمی نشیند. حسین(ع) در جان و دل این مردم زنده است؛ از این رو تا چشمانشان اشک دارد و راه و روش سیدالشهدا(ع) چراغ راه ایشان است، بر او می گریند و سوگواری می کنند و چندان که خون در رگ هاشان جاری و در بدن هاشان توان و نیرو هست، در حقش خون ها بذل می کنند تا بگویند در راه حسین(ع) و اهداف او جان خود را تقدیم می دارند و هر چه می توانند، در استمرار یاد و فکر او و گسترش علوم و معارفش می کوشند.

و اینک همان مردم شیفته و عاشق اند که رو به سوی دو بارگاه شریف دارند و در فاصله حرمین، پابرهنه هروله می کنند تا نشان دهند که در راه حسین(ع) و نهضت مقدسش، آمادگی هر حرکتی در آنها هست و هرگز از پای نمی نشینند.

حاکمان ستمگر در طول تاریخ کوشیده اند تا با انواع مکر و نیرنگ، حرکت مستضعفان در مسیر سیدالشهدا(ع) را فرو بنشانند و پرتو نورانی انقلاب او را خاموش کنند؛ اما جز خسارت و زیان بهره ای نبرده اند و برعکس، آتش اشتیاق مردم به حسین بن علی(ع) و نهضت روشنگرانه او را شعله و رتر نموده اند. کار به جایی رسید که متوکل زمین کربلا را شخم زد و با خاک یکسان کرد تا آثار مرقد حسینی را به کلی نابود گرداند، که البته به هدفش نرسید و ناکام ماند.

دشمنان اهل بیت(ع) هر گاه خواسته اند مردم را از روی آوردن به دو مرقد و حرم شریف مانع شوند، هرگز از شمار زائران کاسته نشده؛ بلکه بر آنها بسیار افزوده شده است؛ چندان که از همه گروه ها و اصناف و از نقاط مختلف جهان، جمعیتی چندمیلیونی راهی کربلا می شوند و پابرنه خود را به بارگاه ملکوتی حضرت سیدالشهدا(ع) می رسانند.

این تاریخ معاصر عراق است؛ عراقی که نواصب و تکفیری ها تکریت و الانبار را در آن به اشغال خود درآوردند و سفّاح سفّاک و خون ریز و ستم پیشه تکریت (صدام)، در همه عراق، مردمان شیفته امام حسین(ع) را مورد هجوم و کشتار قرار داد و در طول حاکمیت ظالمانه خود نزدیک به شش میلیون نفر را به قتل رساند و بسیاری را نیز مورد شکنجه و بازداشت و ترور و زندان و تبعید و مصادره اموال قرار داد. روحیه پلید طایفه گری در وجود این انسان خبیث کار را به جایی رساند که بعضی شهرهای عراق (به ویژه شهر مقدس کربلا) را بمباران کرد و پناهندگان به مرقد امام حسین(ع) را در داخل حرم مورد ضرب و شتم قرار داد و عده ای را در همان جا به شهادت رساند. آثار جنایت او هنوز بر دیوارهای مرقد مقدس باقی و آشکار است.

افزون بر این، ویران کردن مساجد و مدارس دینی و حسینیه ها و نیز از بین بردن ابزارها و نشانه های عزاداری و هدف قرار دادن دیوانه وار شهر کربلا با موشک ها و گلوله ها و خمپاره ها، از دیگر جنایات صدام و حزب بعث در دشمنی با مظاهر دین داری و محبت به اهل بیت پیامبر بود. صدام می خواست یاد و خاطره امام حسین(ع) را ریشه کن نماید و شعائر حسینی را نابود سازد و وجود مقدس او را از ذهن و زبان مردم مستضعف یکسره بزداید؛ اما هرگز به هدف پلیدش نرسید؛ همچنان که اسلاف او از بنی امیه و مروانی ها و عباسی ها نیز نتوانستند محبت حسین(ع) را از دل های مردم ریشه کن سازند. بلکه می بینیم مردم مستضعف در همه کشورهای جهان، از بالاترین نقطه شمال تا پایین ترین منطقه جنوب، و از مشرق تا مغرب، با وجود اختلاف در آیین و مذهب و فرقه و گروه، بیدار شده اند و به نهضت امام حسین(ع) و اهداف آن آگاهی یافته اند و در مناسبت های مختلف، به صورت انفرادی و گروهی، سواره و پیاده، رو به حرم و مرقد سیدالشهدا(ع) می آورند تا از روح و حقیقت حسینی توشه بگیرند.

این جماعت ها و دسته ها که امسال(۱۳۹۲ش) تعدادشان به ۶۳۳۱ کاروان عزاداری رسیده بود، از داخل و خارج عراق، خود را به کربلا رسانده و جلوه هایی عظیم از عشق و دلدادگی به ابی عبدالله الحسین(ع) را به

نمایش گذاشته بودند. اجتماع بزرگ و کم نظیر مردم در روز اربعین، در کنار مرقد شریف امام حسین(ع) از جهت تعداد عزاداران و نیز حضور طیف های مختلف مردم، از نژادها و رنگ ها و ادیان و مذاهب گوناگون، پدیده ای شگفت آور و شکوهمند را آفریده است. البته باید توجه داشت که اجتماع روز اربعین، بی هیچ اعلان و دعوت و سازمان دهی خاصی صورت می گیرد و مردم به خواست و رغبت خود آن را برپا می کنند.

اجتماع عظیم و منحصر به فرد روز اربعین در عصر ما بزرگ ترین دلیل و گواه است بر این سخن که: آنچه امام حسین(ع) با نهضت بزرگ و متعالی خود در تاریخ ماندگار کرد، بر شانه های امت مستضعف به سرمنزل خود می رسد و اقامه می گردد.

مبارزان و مجاهدان بسیاری در طول تاریخ به خون خواهی ابا عبدالله و اقامه شعائر حسینی برخاسته اند. اولین حرکت با شعار «یا لثارات الحسین» توسط توابین صورت گرفت و سپس ابوالاحرار زید شهید(ع) و سادات برگزیده ای همچون حسین شهید فخ و دیگر فرزندان نمونه پیامبر(ص) این راه را ادامه دادند و در ماندگار کردن نام امام حسین(ع) و قیام او، جانفشانی ها و از خودگذشتگی های بسیار نشان دادند و به دنبال ایشان، شیعیان اصیل و شرافتمند به هر شهر و حکومتی که وارد شدند و در آن اقامت کردند یا از آن گذشتند، در تحقق این هدف از هیچ کوشش و ایثاری دریغ نورزیدند.

مجاهدین بسیاری نیز با حاکم جبار و درنده خوی عراق درافتادند و جنگیدند و شهدای بزرگی از اهل علم و معرفت و فضیلت را تقدیم کردند تا این که به یاری خدا و همت مردم سرافراز عراق، حکومت را در اختیار گرفتند. امید که خداوند آنها را توفیق دهد در خدمت مردم عراق و رشد و تعالی ایشان، اهدافی را که اعلان کرده اند، تحقق ببخشد؛ به ویژه در گسترش شعائر حسینی و پیام ها و اهداف نهضت او، به وعده های خود عمل کنند و مردم را در برپایی مراسم عاشورا و اربعین و مانند آن، تنها نگذارند؛ بلکه با کمک های دولتی و حمایت های مادی و معنوی، آنها را پشتیبانی و تقویت کنند. مبدا برای روشنفکران مدعی آزادی و جامعه مدنی و دموکراسی فرصتی فراهم شود که به مواهب ایمانی و عقیدتی مردم و عواطف ایشان نسبت به شعائر و برنامه ها و عزاداری های حسینی دست درازی کنند؛ چراکه مردم هواخواه امام حسین(ع) همواره در کمین و مراقب کسانی هستند که بخواهند متعرض این شعائر حسینی و نهضت و قیام کربلا شوند و در هر کجا و در هر زمان و از سوی هر کس چنین خطایی سر بزنند، با آن مبارزه می کنند.

مراسمی که شیعیان در عاشورا و اربعین برگزار می کنند و نیز اجتماع میلیونی ای که با حضور مسلمانان و توده مردم از ادیان و مذاهب گوناگون تشکیل می شود، برای کسانی که در مخیله شان فکر تعرض به عواطف و احساسات حسینی را می پرورند، یک تهدید و هشدار است. فرد فرد عزاداران امام حسین(ع)، برای تعدی کنندگان به شعائر حسینی، یک تهدید و خطر بزرگ است و هر گام ایشان، گلوله ای است که سینه معاندین را نشانه گرفته است. صدام با همه وحشی گری اش نتوانست یاد و نام حسین را از دل مردم ببرد و اینک که سال هاست طاغوتش درهم شکسته، این شب پره های کورباطنی که شبانه و مخفیانه عمل می کنند، نیز نخواهند توانست با ترور و ایجاد وحشت و انفجار، در شعائر و آیین های حسینی اخلال کنند.

مستضعفان شیفته سیدالشهدا(ع) سرسخت تر از آنند که این گونه اعمال در عزم و اراده شان مؤثر افتد. برنامه ها و اهداف و فرهنگ ایشان در مقایسه با آن ناصبی های نادان و آدم کش، بسیار برتر و متعالی تر است و خود با شرافت تر و خوددارتر از آنند که به اعمال پست و حقیرانه و سطحی ای چون ترور و انفجار و آدم کشی ناحق دست بزنند.

دوستاناران ابی عبدالله(ع) در روشنایی روز چنین اجتماع میلیونی را برپا می کنند و عقاید راستین و اندیشه های پاک خود را فریاد می زنند و با بلندترین و رساترین صدا، ولایت و مودت خود نسبت به اشرف مخلوقات، یعنی حضرت محمد(ص) و خاندان پاکش(ع) را ابراز می دارند و در پرتو تعالیم قرآن و اهل بیت(ع) راه اسلام را خواهند پوید.

این تظاهرات و راهپیمایی مردمی، به این شکل و روش و با این هدف بلند و والا چیزی است که اهل دنیا را به حیرت و شگفتی واداشته و مردم به حقیقت تشیع و روحیه پایداری و مقاومت و محبت در آن پی برده اند. همچنین این تجمع عظیم نشان می دهد که شیعیان در این که باید با مدیریتی قوی و سازمان دهی تشکیلات خود، از اصول و عقاید خویش محافظت کنند، دیدگاه واحد دارند؛ چندان که قدرتمندان و حاکمان خودسر و زورگو نتوانند در این تشکیلات نفوذ کنند و اثر بگذارند، و این همه از سر اقتدا به قیام حسینی و اهداف و نتایج آن است؛ چون این قیام، مستند به امام حسین(ع) است که پیشوایی الهی بود، نه پادشاه و خلیفه و حاکم نظامی؛ بلکه الگو و سرمشق و حق طلبی الهی و اصلاح گری دینی بود و همه آنچه داشت را در راه خدا تقدیم کرد و خداوند به پاداش این اخلاص و فداکاری، ولایت و محبت مؤمنان نسبت

به او و به قیام و نهضتش را عطا فرموده و چنان منزلت و مکانت عظیم و قدرتی به او بخشیده که می تواند هر ساله مردم را در چنین گردهمایی باشکوه و بی نظیری گرد آورد.

سیدالشهدا(ع) برای مستضعفان هم اشک را به یادگار نهاد و هم عبرت را تا با این دو سلاح، با دشمنان مقابله کنند و آنها را از تعدی و ظلم در حق بی گناهان و مستضعفان بازدارند. به یقین این دو یعنی «اشک» و «عبرت» دیری نمی پاید که ریشه های ظلم و عداوت را برمی کند و حکومت های بیدادگر را در هر موقعیتی که به نام فرهنگ و تمدن و دموکراسی جلوه گری کنند و به طرق گوناگون قساوت و وحشی گری به خرج دهند، از میان برمی دارد.

پس جنبش مستضعفان باید شکل بگیرد و تداوم یابد تا آن مُصلح وعده داده شده که در امامت و کرامت و اهداف و قیام، وارث حسین بن علی(ع) است، ظهور نماید و دولتی کریمه و ممتاز را پایه گذاری کند و مسلمانان را عزّت ببخشد و حاکمان ظلم و شرک و هودارانشان را هلاک سازد و نعمت را «بر کسانی که در زمین به استضعاف کشانده شده اند و ما آنان را پیشوایان و میراث بر روی زمین قرار می دهیم»، کامل گرداند.